

گروه پژوهشی قرآن و معرفت شناسی

هستی

چستی علم

به ضمیمه

نظریه بازداشت ادراک

محسن عباس نژاد

سرشناسه: محسن عباس نژاد، ۱۳۵۱

عنوان و نام پدیدآور: هستی و چیستی علم: نویسنده: محسن عباس نژاد

تهیه شده در گروه پژوهشی قرآن و معرفت شناسی

مشخصات نشر: مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۲۲۶ ص. شابک: ۷-۱۳-۵۵۳۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا یادداشت: کتابنامه

موضوع: علوم - فلسفه

موضوع: نظریه بازگشتی در ادراک - هستی‌شناسی علم - معرفت‌شناسی بازگشتی

شناسه افزوده: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ هـ ۲۳ ع Q۱۷۵

رده‌بندی دیویی: ۵۰۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۵۲۳۱۰

گروه پژوهشی قرآن و معرفت‌شناسی

هستی و چیستی علم

نویسنده: محسن عباس نژاد

کارشناس و نمونه خوان: محسن حبیبی فر

ویراستاری، حروفچینی و صفحه‌آرایی: امین رضائی

ناشر: انتشارات بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه دانشگاه

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۳

تعداد صفحه: ۲۲۶

شابک: ۷-۱۳-۵۵۳۸-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

همه حقوق محفوظ و متعلق به بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه است

آدرس: مشهد مقدس، رضاشهر، بلوار رضوی، رضوی ۳۱، انتشارات بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه

تلفن‌های تماس: ۸۷۹۰۳۰۰ - ۰۹۱۵۳۲۰۴۰۲۲ - دورنگار: ۸۷۹۲۵۱۵ (۰۵۱۱)

www.suqr.ir

info@suqr.ir

فهرست موضوعات

۱۱

مقدمه

بخش اول: هستی‌شناسی علم

۲۰

فصل اول: ادراک حسی

۲۰

تعریف علم

۲۱

معانی اصطلاحی علم

۲۳

هستی‌شناسی ادراک حسی

۲۳

تمایز ادراک و احساس

۲۶

فرآیند احساس

۲۶

دستگاه بینایی

۲۷

دستگاه شنوایی

۲۸

دستگاه بویایی

۲۸

دستگاه چشایی

۲۸

دستگاه لامسه

۲۹	مراکز مغزی حواس
۳۰	ماهیت احساس
۳۰	ادراک حسی
۳۲	فصل دوم: ذهن و بدن
۳۲	کیفیت ذهنی
۳۵	بن و بدن
۳۷	نظریات بن گرا
۳۷	رفتار ای
۳۸	نقد رفتار گرا
۳۹	نظریه همسانی
۴۱	نقد و بررسی نظریه این همسان
۴۲	وحدت ادراکی
۴۳	وحدت مدرک
۴۳	تفاوت ویژگی های ادراکی با فعالیت های مغز
۴۵	کارکردگرایی
۴۸	نقد و بررسی کارکردگرایی
۵۲	حذف گرایان
۵۴	نظریات دوگانه انگار
۵۶	افلاطون
۶۰	ارسطو
۶۲	افلوپین
۶۷	ادراک از نظر افلوپین
۷۱	ابن سینا

۷۴	شیخ اشراق
۸۰	ملاصدرا
۸۵	اتحاد عالم و معلوم
۸۷	نقد نظریه ملاصدرا درباره ادراک حسی
۹۹	فصل سوم : مسئله روح
۹۹	نظریه بازگشتی
۱۰۰	دلایل عقلی اثبات وجود روح و مسأله ساحت دوم در انسان
۱۰۳	تجرد نفس
۱۰۵	براهین نقلی اثبات وجود روح
۱۰۹	ماهیت روح در آیات و روایات
۱۱۳	ماهیت سایه وار روح
۱۲۰	ماهیت انضمامی روح
۱۲۱	مرزهای متداخل روح و تن
۱۲۵	قوای ادراکی روح
۱۲۷	قلب، مرکز ادراکی روح
۱۲۸	لایه گرایش و بینش قلب
۱۳۱	فصل چهارم : نظریه بازگشتی در ادراک
۱۳۳	نظریه بازگشتی
۱۳۴	نظریه بازگشتی و آموزه فطرت و عقل
۱۳۷	نظریه بازگشتی در تصورات و ادراکات حسی
۱۴۰	دلایل نقلی نظریه بازگشتی در ادراکات حسی
۱۴۱	چگونگی تعیین پیش شناخت
۱۴۳	هستی شناسی ادراک عقلی در نظریه بازگشتی

۱۴۳	ویژگی های عقل و ادراکات عقلی
۱۴۴	هستی شناسی کلیات
۱۴۷	ماهیت کلیات در نظریه بازگشتی
۱۴۸	سازواری ادراک حسی و عقلی
۱۴۹	سازواری علم و احساس
۱۵۰	نقش حواس در ساخت مفاهیم
۱۵۲	بوهیم واقعیت در نظریه بازگشتی
۱۵۳	تفکر
۱۵۴	سازواری علم مفردم گزاره
۱۵۵	خطای استدلال در نظریه بازگشتی
۱۵۶	خطای ادراکی در نظریه بازگشتی
۱۵۷	مسئله التفات
۱۵۸	فاعل شناسا
۱۶۰	حافظه و تخیل

بخش دوم: معرفت شناسی بازگشتی

۱۶۴	فصل پنجم: معرفت شناسی بازگشتی
۱۶۴	پیشینه معرفت شناسی
۱۶۷	تعریف معرفت
۱۶۷	شرط هستی شناسانه معرفت
۱۷۲	معرفت و رشته علمی
۱۷۵	فصل ششم: نظریه عقل عرفی در صدق
۱۷۵	مولفه صدق

فهرست موضوعات / ۹

۱۷۶	نظریه های صدق
۱۷۶	نظریه مطابقت
۱۷۷	نظریه انسجام
۱۸۰	عمل گرایی
۱۸۲	نظر عقل رقی در صدق
۱۹۰	فصل هفتم : نظریه عقل متعارف در توجیه
۱۹۰	مؤلفه توجیه
۱۹۲	نظریات توجیه
۱۹۲	مبنای گرایی
۱۹۴	انسجام گرایی
۱۹۹	نظریه عقل متعارف در توجیه

فهرست ها

۲۰۹	فهرست آیات
۲۱۵	فهرست اعلام
۲۲۱	فهرست منابع

مقدمه:

علم شریف، تر و درخشانترین نیکویی های انسانی است که به وسیله آن آدمی بر سایر پدیده های جهان برتری یافته است. با وجود آن که هر چیز را با علم می توان شناخت، اما هستی و چیستی علم خود بزرگ ترین معمای هستی و موضوع مناقشات فراوان در تاریخ علم و فلسفه بوده است. آن که به آن نیز به فراخور توان به این موضوع قدیمی؛ اما هم چنان بحث انگیز پرداخته است.

در بخش اول به هستی شناسی علم پرداخته ایم و پس از بررسی دیدگاه های فیلسوفان، دیدگاه جدیدی را در این باره ارائه کرده ایم. بر این اساس، منظر ابتدا ناکافی بودن تبیین های سایر فیلسوفان در زمینه ادراک حسی را نشان داده ایم. از آنجا که به نقد و بررسی دیدگاه ماده گرایی پرداخته ایم که فعالیت های زیست شناختی آنها پذیرفته در بدن و قوای مغزی را برای تبیین ادراک حسی کافی دانسته اند. هم چنین دیدگاه مادیست ها و برخی فیلسوفان اسلامی دیگر نیز مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. به ویژه آن که نشان داده ایم ادله «وجود ذهنی» در تبیین ادراک حسی کارایی ندارد و در سایر مراتب ادراک نیز از اثبات مهم ترین مسأله ادراک یعنی تطابق وجود ذهنی و عینی ناتوان است.

پس از آن به ارائه دیدگاه برگزیده خود تحت عنوان «نظریه بازگشتی» پرداخته ایم. این نظریه در چارچوب نظریات دوگانه انگار ارائه شده و بر وجود دو ساحت متمایز روح و

بدن در آدمی تأکید می‌ورزد. در این راستا به بررسی دلایل عقلی و نقلی ساحت دوم وجود آدمی یعنی «روح» پرداخته ایم. پس از آن که اصل وجود «روح» به عنوان بخشی از وجود انسان به اثبات رسید نوبت به شناخت ماهیت آن می‌رسد. مهم ترین نکته در باب روح و بدن آن است که آیا روح از ماهیتی متفاوت با موجودات مادی برخوردار است یا روح نوعی ماده با ویژگی های متفاوت از مواد شناخته شده کنونی است؛ نشان داده ایم که آنچه مصحح ادراک خواهد بود داشتن هویتی یکپارچه و بدون جزء برای روح است به گونه ای که هر تجربه ای در آن مانند تجربه تمامی فاعل شناسا ادراک گردد. هم چنین بر خلاف آنچه برخی استدلال کرده اند تجرد مثالی در این مورد کفایت می‌کند و داشتن ماهیت یکپارچه شرط لازم و کافی برای هر گونه ادراکی است و می‌توان روح را به گونه ای فرض کرد که ماهیتی سایر اشیاء و ابعاد ندارد.

سپس با رد تباین ذاتی میان روح و اشکال ماده گرایان را در عدم امکان ارتباط امر مجرد و غیر مادی با پدیده های مادی را پاسخ گفته ایم. بخش عمده ای از کارکرد روح در بدن انسان به بیان آگاهانه او یعنی سه گانه ادراک و تعقل، عواطف و احساسات و در نهایت اراده و تصمیم باطنی می‌گردد. در متون دینی به بخشی از روح که منشأ حیات آگاهانه ما است قلب گفته می‌شود. بررسی این بخش از روح به مهم ترین سوال در این زمینه پرداخته ایم که فرایند ادراک چگونه اتفاق می‌افتد و قلب چگونه ادراک می‌کند؟

در اینجا به ارائه مهم ترین بخش دیدگاه خود یعنی نظریه «بازگشتی» پرداخته ایم. بازگشت در اینجا نوعی مبنا گرایی قوی است. بر اساس این دیدگاه عناصر اولیه اشیاء را همه ما در سرشت خود به خوبی می‌شناسیم. نقطه، خط، اشکال هندسی اولیه، احجام پایه،

رنگ های اصلی، مزه های اصلی، کیفیات لمسی اولیه، آواهای پایه و همه تصورات اولیه که حواس ما به آن ها نیاز دارد را با خود همراه آورده ایم و همه این ها پیشتر در قلب به یادگار مانده است.

هنگامی که حواس ما با شیئی مدرک برخورد می کند، دچار واکنش های ویژه ای می شود که زیباترین شان و روان شناسان ادراک در هر مورد آن را به دقت شناسایی کرده اند. این واکنش ها معمولاً حس خاصی آغاز می گردد و در نهایت به مغز ختم می گردد. این انفعالات بر اساس قاعده علت منحصر به فرد است و هر علت خاص معلول ویژه خود را ایجاد می کند. مثلاً یک رنگ خاص طول موج معینی داشته و این طول موج هنگامی که به چشم می رسد در نهایت در اثرات حسی می گذارد. تا اینجا همه چیز در بدن اتفاق می افتد.

اما پیش تر نشان دادیم که نه آلت حسی و نه مغز هیچ کدام نمی توانند ادراکی داشته باشند و فقط روح است که از طریق مرکز ویژه ادراک خود یعنی قلب ادراک می کند. روح تأثیر منحصر به فرد آلت حسی را دریافت می کند و به واسطه این راه به تصورات ساده ای که با آن آشناست بر می گرداند. اگر این بازگشت موفقیت آمیز بود هیچ عنصر ناشناخته ای در این بین وجود نداشت ادراک حسی اتفاق می افتد. البته ممکن است برای این بازگرداندن از بدن و به ویژه مغز به عنوان نوعی ابزار آزمایشگاهی که کار تجزیه و تحلیل تأثیر خارجی را انجام می دهد استفاده کند.

به این ترتیب می توان بدون نیاز به خلق صورت همانند آن چه پایندگان به وجود ذهنی پنداشته اند، راهی برای آشکارسازی فرآیند ادراک حسی پیدا کرد.

مهم‌ترین ویژگی نظریه برگزیده نسبت به نظریات رقیب از جمله نظریه وجود ذهنی یا مثل افلاطونی آن است که فرض خلق صور در عالم ذهن یا ارتباط با ارباب مثل که با مشکلات عدیده فلسفی مواجه بوده و با دریافت های شهودی نیز سازگار نیست را کنار می‌گذارد و بدون نیاز به چیزی بیش از مدرک و نفس مدرک می‌تواند چگونگی ادراک تبیین نماید. هم‌چنین در این نظریه فرآیند مشابهی برای ادراک عقلی و ادراک حسی پدیدار می‌شود.

از آنجا که به این دیدگاه «پیش‌شناخت» هایی است که در سرشت ما وجود دارند در ادامه به بررسی چگونگی تعیین پیش‌شناخت ها پرداخته ایم.

تبیین هستی‌شناسی ادراک عقلی در چارچوب "نظریه بازگشتی" بخش دیگری از این کتاب را تشکیل می‌دهد. از آنجا که هر نوع ادراک عقلی بر مفاهیم کلی استوار است به بررسی مسئله وجود کلی پرداخته ایم. در دیرباز میان فلاسفه شرق و غرب مطرح بوده است.

با نقد این دیدگاه ها در چارچوب "نظریه بازگشتی" بررسی دیدگاه برگزیده خود در باب کلیات پرداخته ایم.

پس از آن که در این کتاب ماهیت پیش‌شناخت ها، یعنی کیفیت ذهنی و احساس درونی دانسته شده اند نشان داده ایم که «کلی» می‌تواند به جای آن که ضایعه اشراقیه موجودات مجرد و یا تصاویر حال در نفس تلقی گردد، به نوعی حالت نفسانی اطلاق گردد. اکنون اگر پیش‌شناخت را پذیرفتیم و آن را نوعی کیفیت نفسانی دانستیم از آنجا که لاجرم هر پیش‌شناختی جز کلی نمی‌تواند باشد، می‌توان تصور کرد که سایر کلیات نیز همین ماهیت را داشته باشند. البته لازم نیست که در هر مورد کلیات تا آخرین مرتبه ساده

شوند. بلکه نفس پیوسته بر خزانه پیش شناخت‌های خود می‌افزاید و از ترکیب پیش شناخت‌های خود، پیش شناخت‌های جدید می‌آفریند، اما همه این پیش شناخت‌ها کلی و کیفیتی نفسانی است.

بنابراین کلی چیزی جز ترکیب کیفیات نفسانی حاصل از پیش شناخت‌های بنیادین نیست. در این کتاب نشان داده ایم که با پذیرش "نظریه بازگشتی" و دیدگاه برگزیده در باب کلیات، مرز بین ادراک حسی و عقلی و تمایز میان ادراک و احساس تا حدود زیادی برداشته می‌شود. بررسی ماهیت تفکر، افق و منظر و نیز خطای ادراکی در چارچوب نظریه برگزیده بخش دیگری از کتاب را تشکیل می‌دهد. در بخش دوم این کتاب به بازخوانی معرفت‌شناسی در چارچوب «نظریه بازگشتی» در ادراک می‌پردازد. به طور مرسوم از زمان افلاطون تا کنون معرفت‌شناسان معرفت را «باور صادق موجه» دانسته‌اند. در ادامه با واکاوی عناصر سه جزئی معرفت نشان داده ایم که جزء اول شرط هستی‌شناسی معرفت را تأمین می‌کند.

علم از یک سو رابطه‌ای با متعلق معرفت و از سوی دیگر با علم‌دار، علمی دارد. شرط صدق، رابطه آن را با متعلق معرفت برقرار می‌سازد و شرط توجیه، کاربرد آن در جامعه علمی به عنوان یک فضیلت، موجه می‌سازد. چرا که عرف جامعه، علم را فضیلتی دانسته و به عنوان یک فضیلت، زمانی شناخته خواهد شد که از توجیه کافی برخوردار باشد و از روی بخت و اتفاق، شناخت رخ نداده باشد.

در مورد صدق و توجیه، نظریات متعددی از دیرباز ارائه گردیده است. نظریه مطابقت، انسجام و عمل‌گرایی مهم‌ترین آن‌ها بوده است که در این کتاب پس از نقد آن‌ها نظریه

نوینی در چارچوب نظریه بازگشتی تحت عنوان «نظریه عقل عرفی در صدق» ارائه گردیده است.

ما از واقع چیزی جز ادراکات حاصل از قوه ادراکی مان در اختیار نداریم؛ اما از آنجا که هر شخص به تنهایی ممکن است عقل را به عنوان قوه ادراکی خود به درستی به کار نبرد، ابزار ادراکی او دچار نارسایی‌هایی باشد، تنها راهی که وجود دارد یاری گرفتن از قوی ادراکی دیگران است. این پیش فرض وجود دارد که قوای ادراکی انسان‌ها در شرایط یکسان و به عقل می‌کند. به عبارتی در شرایطی که تحت تأثیر عامل خارجی قرارگیرد انفعال یکسان بین ادراک و ادراک احساس آشکاره‌گی یکسان می‌گردد. از همین رو وقتی عرف مطابقت با واقع را به کار می‌برد، دقیقاً به این معنا است که اگر عقل عرفی در مقابل همین تأثیر عالم خارج در ادراکات، حاصل یا همین موضوع و محمول در معرفت گزاره‌ای قرار می‌گرفت، همین احساس آشکاره‌گی پیدا می‌کرد. در واقع، مطابقت در ابتدای امر به معنای مطابقت با واقع به کار می‌رود؛ اما با گذشت بیشتر می‌توان دریافت که مطابقت با عقل عرفی و ارتکازات عقلا، مراد حقیقی از کاربرد معنای عرفی و تعریف صدق را تشکیل می‌دهد.

تعریف کلاسیک معرفت مولفه توجیه را آخرین شرط لازم برای معرفت دانسته است. در این باره نیز دیدگاه‌های گوناگونی همچون مبنای‌گرایی و انسجام‌گرایی ارائه گردیده است.

پس از آن که این نظریات مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند در چارچوب «نظریه بازگشتی» دیدگاه نوین «نظریه عقل متعارف در توجیه» ارائه گردیده است.

به این ترتیب تمامی مولفه های معرفت در چارچوب نظریه برگزیده مورد بازخوانی قرار گرفته تا «معرفت شناسی بازگشتی» به عنوان الگوی نو در باب معرفت شناسی ارائه گردد.

در این کتاب تلاش شده است تا مهم ترین دیدگاه ها در فلسفه و معرفت شناسی پیرامون هستی و هستی شناسی علم با نگاهی انتقادی مورد بازخوانی قرار گیرد و فراخور توان نویسنده دیدگاه نوینی که با ادله عقلی و متون دینی سازگاری بیشتری دارد ارائه گردد.

بر آگاهان و شیعیان است که سال ها است که گفتمان حاکم در فلسفه اسلامی در این زمینه دیدگاه نویی را بر خود مدعی است در حالی که این عرصه در فلسفه غرب با ده ها دیدگاه بدیل روبرو بوده است. بنابراین فلسفه اسلامی در عرصه هستی شناسی و معرفت شناسی علم دلایلی دارد که اکنون هنگامی که اینها را در نظر می گیریم و ما در جای خود به برخی از عوامل آن اشاره کرده ایم.^۱

شاید یکی از این ادله برخورد تعصب امیز دیدگاه های گذشتگان و نگاهی قدسی به حکمای بزرگ اسلامی است که همواره مانعی بر سر راه نقد جدی دیدگاه های آن ها بوده است.

همین امر سبب می شود تا هر دیدگاه جدیدی با حساسیت فزاینده روبرو گردد و بی هیچ نقد عالمانه ای به کنار گذاشته شود.

با این وجود نویسنده امیدوار است که چشم اندازهای جدید همچون دیدگاه های جدیدی که در این نوشتار ارائه گردیده است بخت آن را داشته باشند که در جامعه علمی کشور جدی گرفته شوند و از زیر سایه سنگین بزرگان گذشته این مرز و بوم به در آیند.

۱. ر.ک، عباس نژاد، محسن، پیشرفت علم، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه، مشهد، ۱۳۸۸.

طبیعی است که هر نظریه پردازی در آغاز راه ایده های درست و نادرست فراوانی را درهم آمیخته است که نقد و بررسی و ارشادات اهل علم می تواند در پیرایش و بالندگی آن سهمی وافر داشته باشد. از این رو دیدگاه های اصلاحی صاحب نظران را به دیده منت نهاده با اشتیاق آماده شنیدن آن ها خواهیم بود.

محسن عباس نژاد

مشهد مقدس

گروه پژوهشی قرآن و معرفت شناسی

www.ketab.ir